

فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز سه‌شنبه هفدهم خردادماه در آئینی از خدمات علمی و فرهنگی دکتر محمدتقی دانش‌پژوه تجلیل کرد. در بزرگداشت این پژوهشگر گرانقدر آقایان: دکتر حسن حبیبی، دکتر مهدی محقق و ایرج افشار سخنرانی کردند. آنچه که می‌خوانید متن سخنرانی آقای ایرج افشار است در تجلیل از یک استاد و دوست دیرین.

یکی از روزهای پائیز سال ۱۳۲۵ که در دانشکده حقوق درس می‌خواندم برای یافتن کتابی که جویای آن بودم و نمی‌یافتم به میزی که آقای محمدتقی دانش‌پژوه معاون کتابخانه پشت آن نشسته بود و سر در کتابی فرو برده بود نزدیک شدم و سلام کردم. پیش از آن نام ایشان را که بر صدر چند مقاله‌ای که در همان سال در مجله‌های جلوه و دانشنامه چاپ شده بود دیده بودم. اما هنوز روبرو نشده بودیم و سخنی میانمان نرفته بود. دانش در آن روزگار معاون استاد من دکتر محسن صبا بود که روانش شاد باد. میانشان الفتی تمام در حد دوستی وجود داشت.

سلام من دانش را که به ژرفی و شیدایی غرق در مطالعه کتاب بود به خود آورد. به بالا نگریست و به خوشروئی پرسش‌ها را شنود و مشکل را گشود. بدین صورت که برخاست و شماره کتاب را در برگه‌دان یافت و به مرحوم مشهدی محمد داد تا کتاب را بیاورد. به من هم با مهربانی گفت هروقت این‌گونه دشواری داشتید به من مراجعه کنید. اگر کتابی هم بخواهید که نداشته باشیم آن را سفارش می‌دهیم. وظیفه کتابدار همین است. پس از آن هر بار که به ایشان برخوردم سخنمان بیشترگرمی می‌گرفت و دامنه می‌یافت و از مرحله یافتن و دیدن کتاب به مرتبه استفاده علمی از ایشان شد و به پایه‌ای انجامید که باید بگویم ایشان یکی از استادان من بوده است.

از آن روزگاران تاکنون که چهل و هفت سال می‌گذرد باری نبوده است که با ایشان صحبتی پیش آمده باشد (حتی تلفنی) و آگاهی نوینی نیاموخته باشم. به قول شاعر «چه به از لذت هم صحبتی دانائی». نیکبختی من آن بود که ده سال آنگار از خدمت رسمی را در کنار ایشان و در کار فنی کتابداری گذرانیدم و از ایشان هر دم نکته‌ای یاد گرفتم. خوشبختی بیشترم آنکه چون کارمان پایان می‌گرفت شش روز هفته را

برای رفتن به خانه، از دانشگاه تا چهارراه کافه شهرداری، همراه بودیم. قدم‌زنان که راه می‌آمدیم بازگفت و گویمان بر سر نسخ خطی، کتاب تازه، رساله نایاب، کراسه مندرس، سند تاریخی، مقاله تحقیقی و مجله‌های خاورشناسی یا اقوال و آثار بزرگان پژوهش معاصر بود.

پس از آن نوزده‌سالی که من در بخشهای دیگر دانشگاه به خدمت رفتم و همچنین در شانزده سال اخیر حقه مهر ایشان بر همان نشان پیشین برجای بود و دمی و موردی پیش نیامد که از ارشاد و مساعدت و همکاری کوتاهی کند، چه در سفرهای بسیاری که با هم در ایران و کشورهای دیگر داشتیم و چه در خانه یکدیگر یا در کنگره‌ها و مجلسها و جلسه‌های فرهنگی و دانشگاهی و کمیسیونهای فنی که مناسب حال و ذوقمان بود. ایشان همیشه و همه‌جا همه را از گنجینه دانش کم مانند و خزانه حافظه مالا مال خود بهره‌ور می‌ساخت و باری نبوده است که درباره نسخه‌های خطی خاموش مانده باشد. دانش دریایی است که آرامی پذیر نیست. هماره باید موج بر سر آورد تا آنچه در دل نهفته دارد به تشنگان ساحل برساند.

شوق دانش در یافتن نوادر علمی و بازگفتن آنها عشقی است جاودانه و پایان‌ناپذیر که ذهن و جان او بدان عجین شده. نه زمان می‌شناسد نه مکان، نه خاورشناس خارجی و نه ایران‌شناس خودی. او به هر کجا سفر کرد این ولع و عشق بیکرانه و پایدار را با خود همراه داشت. ناچارم از میان خاطره‌های بسیار زیادی که دارم چهار حکایت را اگرچه ممکن است برای بعضی خواننده و تکراری باشد بازگو کنم، تا مگر اشارتم رساتر شود.

حکایت اول این است که دکتر زریاب و دانش و مرحوم حسین محجوبی اردکانی از سوی اداره انتشارات دانشگاه برای مشارکت در سمینار نسخه‌های خطی که در کابل برگزار می‌شد به آنجا رفتند. زریاب گفت چون در فرودگاه کابل در تاکسی نشستیم و سر صحبت‌مان با راننده باز شد دانش بی تابانه از راننده تاکسی که مردی ساده بود پرسید بازار نسخه خطی فروشان کجای شهر است. طبعاً راننده «هاج و واج» ماند و به مطلب دیگری پرداخت.

حکایت دوم روایتی است که از یکی از مهمانداران دانش در باکو شنیده شده است که گفته بود سالی که فرهنگستان علوم آذربایجان ایشان را دعوت کرده بود پیشاپیش برنامه‌ای را تنظیم کرده بودند که در آن، دیدار از مؤسسات مناسب حال ایشان و ضمناً چند جای گردش و نمایشی هم گنجانیده شده بود. اما دانش با دیدن آن برنامه گفته بود من خواستار سه چیز بیش نیستم. کتابخانه، مسجد و گورستان به یک کلام به سراغ کتاب آمده‌ام و کتابه (کتیبه).

اتفاق سوم آن که خودم شاهد بودم در لندن روی داد. مرحوم مینوی بود و دانش و احمد اقتداری و من. به کتابفروشی رفته بودیم. دانش کتابی را آنجا یافت که سالها مشتاق به دست آوردنش بود. چون کتاب را

یافت و کتابفروش در بهای آن هشت پوند خواستار شد: او یک اسکناس بیست پوندی داد و بی تابانه به باز کردن کتاب و خواندنش پرداخت. کتابفروش به جای دوازده پوند، هشت پوند بازپس داد. مینوی که روبرو و ناظر قضیه بود از بی توجهی دانش برآشفست و گفت آقای دانش پژوه چرا مواظب نیستید. این آقا باید دوازده پوند به شما داده بود. اقتداری به شوخی گفت: آقای مینوی ناراحت م باشید. علت این است که اسکناسها چاپی است نه خطی.

چهارمین حکایتی که عرض می‌کنم مربوط است به سفری که با مرحوم اللهیار صالح و دانش به کاشان می‌رفتیم تا نسخه‌های خطی چند کتابخانه آنجا را بینیم. پسینی بود که از تهران راه افتادیم و چون دیر شب شد برای آرمیدن به سوی باغ برادر صالح در آران که فرسنگی بیش، از شهر کاشان دور دست نیست رهسپر شدیم. راه میان کاشان و آران کویری است در آن سالها اسفalte نبود و همیشه رگه‌هایی از ریگ روان آن را می‌پوشید. در تیرگی شب اتوموبیل به سختی در ریگ فرو رفت و از حرکت باز ماند. ناچار پیاده شدیم. من از گوشه و کنار مقداری شاخه بوته گز و قیچ‌کندم که زیر چرخها بخوابانم تا مگر اتوموبیل حرکت کند. دانش که بالای سر من ایستاده بود با نگرانی و التهاب به مرحوم صالح گفت آقای صالح اگر ماشین راه نیفتد فردا چگونه به دیدن و فهرست‌نویسی نسخه‌ها برویم. مرحوم صالح گفت آقای دانش پژوه اکنون به فکر آن باشید که اگر ماشین راه نیفتاد درین صحرا چه باید کرد.

باری این وجود عاشق، اما پرتوان و دانش پرست که در یافتن و دیدن و فهرست کردن و بازنوشتن و چاپ کردن نسخه‌ها و اسناد قدیم کوششی مستمر از سال ۱۳۲۴ (سال انتشار مجله جلوله) تاکنون داشته است (یعنی پنجاه سالی که خواب نبوده است) بیش از پنجاه شصت متن کهن و نزدیک به صد رساله نادر فراموش شده را از میان هزارها عنوان کتاب برگزیده و به چاپ رسانیده و افزون از سیصد مقاله در مجله‌های ایران و جهان نوشته و بی‌هیچ‌گزافه چهل پنجاه هزار نسخه خطی را در چهار گوشه جهان دیده و برای یافتن آگاهی درباره آنها به هزارها کتاب و مقاله در زبانهای عربی و فارسی و ترکی و روسی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ایتالیایی حتی گرجی و ارمنی و چه بسا زبانهای دیگر نگریسته و چنان مجموعه عظیمی از فهرستها و متنها و پژوهشها به دوستداران فرهنگهای ایرانی و اسلامی عرضه کرده که دانش و کوشش و کارش او را به مرتبت دانشمندی جهانی رسانده است.

اعتبار علمی جهانی* دانش و شناختگی او در مجامع مربوط به مطالعات ایرانی و اسلامی و عربی مخصوصاً به سه کار بزرگ اوست. یکی فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است اعم از فارسی و عربی و

* اکنون که این نوشته چاپ می‌شود به یاد آمد که به همین مناسبات بوده است که انجمن آسیایی فرانسه او را به عضویت افتخاری خود خوانده‌اند.

ترکی و گاهی اردو و کردی که او یک تنه کماً و کیفاً کاری بیش از توانائی مرسوم و معمول برای یک فهرست‌نگار را انجام داده است و امروزه نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها دستمایه پژوهشگران است. و جز این در دنیای کنونی که کتابشناسی و فهرستهای مشترک مقامی والا و اساسی یافته است محققان اسلامی ناچار از آنند که به فهرستهای او بنگرند و حتی در روشهای کامپیوتری فهرست‌نگاری مآخذ اسلامی، از کارهای او بهره‌ور شوند. کما اینکه بطور مثال بنیاد فرهنگی انقلاب اسلامی که به کار ادغام فهرستهای مختلف پرداخته ناگزیر فهرستهای ایشان را مورد استفاده قرار داده است.

کار مهم دیگر دانش تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است به چاپ برسد و طبعاً بصیرت و اشراف او در شناخت نسخه‌هاست که با پشتوانه جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون با ارزش فراموش شده به دسترس پژوهشگران بیاید.

سه دیگر پژوهشهای منفرد اوست که بیشتر در زمینه‌های منطقی و فلسفی و کلامی و بررسی آراء و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است و باید دانست که او در شناساندن کارهای ارسطو و فارابی و ابن سینا و ابن کمونه و ابن رشد و ابن میمون و غزالی و ناصر خسرو و خواجه نصیر و بابا افضل کاشانی و ملاصدرا و ملامحسن فیض و سی چهل دانشمند دیگر از این رسته گفتارهای معتبری دارد که در مقالات و تحقیقات خاورشناسان استناد بدانها شده است و می‌شود و برای ایران مایه مباهات است.

باز می‌گردم به زمینه فهرست‌نگاری او. این خدمت وسیع دانش تنها منحصر بدان نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه‌ها پرداخته باشد. کارگران او در این است که با توجه ژرف و همه‌جانبه به آنچه در یکصد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در مآخذ خودمان و از میان اصل نسخه‌ها برمی‌آید قواعد و فنون فهرست‌نگاری را تثبیت کرده و حتی در مواردی تغییر داده و اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کرده است. او با توجه به مبانی فهرست‌نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده است که مبلغی از آنها پیش از این به نظر فهرست‌نگاران نیامده بود. مثلاً ذکر مشخصاتی از قبیل عرض، کراسه، اجازه، بلاغ مقابله، انهاء و یادداشتهای مذکور در اول و آخر نسخه‌ها از قبیل بهای نسخه و طرز خریداری و تملکهای متفاوت و مطالب دیگری ازین دست. جزین، در معرفی متن و مطلب، در بسیاری از موارد آنچه او نوشته است هنوز آخرین تحقیق در احوال یا آثار فلان مؤلف تواند بود.

قصد نهایی و اصلی دانش از نسخه‌شناسی رسیدن به مرحله کتابشناسی و بالمآل متن‌شناسی است. نمونه کوششهای والائی که درین زمینه‌ها از او دیده می‌شود کتابشناسی کتابهای موسیقی، فهرستواره فقه، فهرستهای خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشآت (دبیری)، پیمان‌نامه‌ها، گنجوری و

کتاب آرایی است. درین گونه کتابشناسیها اغلب نظر ارزشیابی او مندرج است. شمار نسخه‌ها و مآخذ متنوع اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مؤلف آمده و در حقیقت فهرستی است که سرگذشتنامه و کتابشناسی در آن به هم آمیخته است، همان چیزی که در اصطلاح فرنگی Bio Bibliography گفته می‌شود.

دانش در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده باشد به تفصیل می‌پردازد و دامنه‌گیری فهرست را درست می‌داند. حقیقتاً بعضی از نوشته‌های او که در لابلای فهرستهای مسطورست و به عبارت بهتری گم گشته مانده (مانند بسیاری از نوشته‌ها در جلد سوم فهرست نسخه‌های اهدایی مشکوة به دانشگاه تهران که یادش به خیر باد) از پژوهشهای پر ارزش اوست. بطور مثال یاد می‌کنم از آنچه درباره صریح‌الملک، جمال‌الاسلام یزدی مؤلف‌نامه همایون، یا رستم‌الحکما و مؤلفات او بطور استطرادی در فهرس خود آورده است.

دانش در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی، اعم از خریداری یا تهیه میکروفیلم از نسخه‌های پراکنده در جهان کوششی عجیب و وسیع کرد. سه جلد فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی که هم او آن را تألیف کرده نشانه‌ای است از کوشش سالهای دراز درین راه و هدف. البته باید گفت که مرحوم مجتبی مینوی و استادام دکتر ذبیح‌الله صفا هم در تهیه میکروفیلم از کشورهای ترکیه و اروپا زحمات زیاد متحمل شده‌اند و یاد خیرشان نباید فراموش شود.

خدمت دیگر دانش تدوین نشریه نسخه‌های خطی است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. برای اینکه حقی از میان نرود و یادی از دانشمندی نسخه‌شناس به میان آمده باشد باید عرض کنم که فکر تأسیس و نشر این نشریه در سال ۱۳۳۶ پیش آمد. زمانی که دکتر صلاح‌الدین المنجد کتابشناس و دانشمند مشهور عرب مدیر وقت معهد المخطوطات العربیة در قاهره به دعوت ایران در تهران بود و می‌دانیم که او خود مؤسس مجله المخطوطات العربیة بود که هنوز هم منتشر می‌شود. یکی از روزها که با او و دانش در خیابان نزدیک باشگاه دانشگاه قدم می‌زدیم منجد به ما گفت ضرورت علمی ایجاب می‌کند در ایران هم نشریه‌ای که معرف نسخه‌های خطی کتابخانه‌های کوچک بی‌فهرست و اطلاعات متبیط با نسخه‌ها باشد منتشر سازید تا اهل علم بدانند که در کتابخانه‌های پراکنده خصوصی و عمومی کشور شما چه نفایسی مخزون مانده است. این مطلب را چند روز بعد به دکتر ذبیح‌الله صفا که در آن اوقات رئیس اداره انتشارات دانشگاه بود عرضه داشتیم. ایشان بی تأملی فرمود مطالبی را که می‌دانید مفید است گردآورید و به من بدهید تا چاپ شود. اکنون شماره‌های نشریه به دوازده رسیده است و بی‌گمان هفتاد درصد صفحات آن مطالبی است که از زیر قلم دانش بیرون آمده و معرفی نسخه‌هایی است که او اینجا و آنجا دیده بوده است، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اقمار آن و امریکا و

ممالک اروپایی. افسوس که این نشریه چند سالی است متوقف شده است.

خدمت دیگر دانش همکاری در طرح فهرست نویسی نسخه های کتابخانه های شهرستانهاست که انجمن آثار ملی پیشین هزینه های آن را پذیرفته بود و سه جلد از آن مربوط به فهرست ده کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بود که در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است.

خدمت دیگر دانش مشارکت در جلسات تقویم نسخه های خطی از جمله برای کتابخانه های مجلس های شورا و سنای قدیم و دانشگاه های تهران، همدان، مشهد و چند جای دیگرست و باید عرض شود که همیشه در آن جلسه ها، دیده ها متوجه آن بود که از زبان دانش شنیده شود آیا نسخه دیگری از نسخه عرضه شده در گوشه ای از جهان هست یا نیست. اگر هست از کدام قرن است و در مقام تطبیق میان نسخه عرضه شده و آن نسخ چه تفاوتها وجود دارد تا بتوان برای ارزش مالی نسخه، معیارسنجی کرد.

درباره توانایی شگفت آور و شکیبایی دانش در فهرست نویسی همین بس که گفته شود که فهرستهای کتابخانه های مرکزی دانشگاه تهران و عده ای از دانشکده های آن و مدرسه سپهسالار را (که البته قسمتی با همکاری دکتر علینقی منزوی انجام شده) در مدت ده سال به انجام رسانید و پس از آن مدت شش سال در فهرست نویسی کتابخانه های ملک و مجلس و کتابخانه های خصوصی صرف وقت کرد و چون صبحها در کتابخانه دانشکده حقوق موظف بود ناگزیر از آن بود که بعد از ظهرها چه در زمستان سرد و چه در تابستان گرم کار دلپذیر خود را دنبال کند. بطور مثال مدت قریب به پنج سال معمولاً هفته ای دو سه روز بعد از ظهرها از خانه اش که بالاهای خیابان یوسف آباد بود خود را با اتوبوس به خانه من در چهارراه کالج می رسانید تا به کتابخانه ملی ملک در بازار بین الحرمین برویم و خدمتی را که به معرفی و تشویق مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی تعهد کرده بودیم به پایان برسانیم. البته بخشی از مقدمات کار با همکاری تنی چند از فضلا از جمله آقایان: دکتر محمدباقر حجتی و احمد منزوی سرانجام یافت. با همین پشتکار و دلبستگی بوده است که دانش پژوه سی چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کرده و فهرستهای آنها را به چاپ رسانیده است.

زحمات و خدمات و تفکرات دانش در زمینه نسخه های خطی و فهرست نویسی بی گمان می تواند موضوع رساله ای در رشته کتابداری باشد که امیدوارم روزی صاحب وقوفی به این نکته عنایت کند. گفتیم خدمت گراندرد دیگر دانش تصحیح و طبع متون کهن است. کوشش او همواره درین زمینه بر آن بوده است که نایابها، ناشناخته ها، گمشده ها، و بالاخره مؤثرها را چاپ کند. او با ذهن گوه رشناسی و دانشی جوهر خود توانسته است متونی را که حاوی آراء و عقاید فیلسوفان و متکلمان، اقوال و مقامات

صوفیان و عارفان، مسائل و آثار ریاضی دانان و منطقیان، منشآت و مکاتبات مترسلان و دبیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع نگاران است، حتی رساله‌ها و مقامه‌ها و خطابه‌ها و بندهایی نظیر طاووس خانه اصفهان، تعداد قشون ایران در عهد شاه سلطانحسین، عطرنامه علائی، قوس نامه و بازنامه، اسب نوبتی بر در کاخ ابومسلم، نامه آفته‌ها به آشفته‌ها، کتاب شویان را به چاپ برساند که از هر یک نکته‌ای تاریخی یا مطلبی اجتماعی به دست می‌آید.

برای اینکه گوناگونی و دامنه گسترده کارش را نموده باشم درین فرصت کوتاه ناچارم نمونه شمار و فهرست وار مقداری از چاپکرده‌های برجسته او را برشمارم:

در معارف اسلامی (فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت) النکت الاعتقادیة، معتقدالامامیة، کسر اصنام الجاهلیة، النهایة، مختصر نافع، بحرالفوائد، النجاة، حکمت اشراق ریزی، شرح شهاب الاخبار، جام جهان نما یا ترجمه تحصیل بهمنیار (با همکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی).

در منطق: تبصره ساوی و رسائل متعدد از عده‌ای دانشمندان پیشین. گرانتر و جهانی تر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات فارابی است که در سالهای اخیر موفق به انتشار آن شده است.

در علوم و فنون: رسائلی از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، الاسرار و سرالاسرار رازی، تجارب شهریاری، یواقیت العلوم، نوادرالتبادر.

در پزشکی: مفتاح الطب و دو بخش ذخیره خوارزمشاهی.

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه، آثار درویش طبعی، مناقب الصوفیه.

در اخلاق و سیاست: اخلاق محتشمی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری، تحفه.

در تاریخ: بخش‌های اسماعیلیه جامع التواریخ و زبده التواریخ، مکاتیب رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ الوزراء قمی.

برای اینکه بدانید اکنون چه می‌کند ترجمه قدیم الاحکام السلطانیة ماوردی (با همکاری چنگیز پهلوان)، نهاية العرب، بستان العقول زنگی بخاری، مجمل الحکمه (ترجمه رسائل اخوان الصفا)، مقامات بایزید بسطامی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجتبی مینوی را زیر چاپ دارد.

دانش پژوه به مناسبت خدمات درخشان علمی در سال ۱۳۴۸ که پرفسور فضل الله رضا رئیس دانشگاه بود به مرتبت دانشیاری دانشگاه برگزیده شد و چندی نگذشت، آنکه استاد بود، پیش از آنکه بازنشسته شود عنوان استادی یافت. اما او تدریس دانشگاهی را در چند رشته حدود ده سال پیش از آن آغاز کرده بود و در این سالهای دراز در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی درس گفته بود و خوشبختانه هنوز هم دانشجویانی چند از محضر پر برکت او بهره‌مندند.

ناگفته نمی‌توان گذاشت که گوشه‌ای از کوشش دانش در برگزیدن بعضی از متون پیشین برای چاپ، ارزشمندی زبان فارسی پر مایه آنها و احتواء هریک بر مقداری کثیر از واژه‌های نایاب و فراموش شده‌ای است که همگی معشوقگان دانش پژوه‌اند. طرفه‌تر آنکه هرچه دیرینگی و کهنی آنها بیش باشد برای او پسندتر بیش بهاترند. او همیشه به تأکید گفته است که با به دست آوردن این گونه نوشته‌ها و تازه ساختن واژه‌های دیرینه در زبان کنونی، بر غنای زبان افزوده خواهد شد و در ساختن واژگان معادل برای مفاهیم جدید می‌توان از آنها سود جست.

از شما بزرگواران که بردباری کردید تا یادداشت‌م به پایان رسید سپاسگزارم. امیدوارم همگی برای تندرستی و شادکامی این دانشمندان کم‌مانند که نامش در زمینه پژوهشهای ایرانیان جهانی شده است به درگاه پروردگار دعا کنید.

نقل از مجله کلک شماره ۵۲ (۱۳۷۳)